



## پژوهشی در ویژگی‌های صوری سنگ‌نگاره‌های غار دوشه لرستان

منیره اهری مصطفوی<sup>۱\*</sup>، مهیار اسدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نقاشی، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.  
<sup>۲</sup>استادیار گروه مجسمه‌سازی و نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.  
 (تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

### چکیده

غار دوشه با سنگ‌نگاره‌هایی که قدمت آن‌ها به حدود دو هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد از جمله منابع مهم تصویری هنر ایران در استان لرستان به‌شمار می‌رود. دیوارهای مسطح این غار حامل حدود یکصد و ده نقش سیاه‌رنگ با موضوع غالب شکار و صحنه‌های رزمگامی است که در آن انسان‌ها سوار بر اسب و یا به‌صورت پیاده و اکثراً در حال تیراندازی و جنگیدن ترسیم شده‌اند. حیواناتی هم‌چون اسب، بز و حیوانی شبیه به گرگ بر دیوارهای این غار نقاشی شده است. با توجه به این‌که این نقوش تاکنون به‌دقت مورد تجزیه و تحلیل کارشناسان قرار نگرفته است، پژوهش حاضر باهدف تبیین ویژگی‌های تصویری نقوش این غار به طرح این سؤال پرداخت که: سنگ‌نگاره‌های غار دوشه دارای چه ویژگی‌های بصری هستند؟ و در راستای پاسخ به سؤال مذکور، با روشی توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، نقاشی‌های این غار از منظر نحوه بازنمایی، رنگ، عمق‌نمایی، حجم‌پردازی، تناسب و ترکیب‌بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نقوش غار دوشه به شیوه چکیده‌نگاری و با ماهیت روایی، با استفاده از ماده سیاه‌رنگ بر دیوارهای غار کشیده شده است. تمامی نقوش فاقد حجم‌پردازی بوده و عمق‌نمایی و عدم رعایت تناسب در برخی از نقوش قابل مشاهده است.

### واژه‌های کلیدی

سنگ‌نگاره، غار دوشه، نقاشی پیش از تاریخ، غار نگاره، نقاشی نوسنگی.



## مقدمه

بر اساس کاوش‌های صورت گرفته، منطقه لرستان از دیرباز مسکون بوده است. سیر تحول زمان و رویدادهای مختلف طبیعی، امکان تمدن را در آن منطقه فراهم کرده و ساکنان آن به دلیل این تحول، پیشرفت‌هایی حاصل نموده و به تدریج با اختراع و ایجاد وسایل و ابزار تازه، زندگی کامل‌تری را به وجود آوردند. یکی از بخش‌های نسبتاً وسیع لرستان، بخش چگنی است. غار دوشه یک اثر تاریخی و طبیعی است که در روستای «کرشوراب» از توابع بخش «چگنی» لرستان قرار دارد. در رابطه با غار دوشه، متأسفانه علی‌رغم در دست بودن تصاویر بسیار پژوهش‌های کمی صورت گرفته و در نتیجه منابع برای پژوهش بسیار محدود است. این غار اولین بار توسط «حمید ایزدپناه» کشف شد. او از سنگ‌نگاره‌های این غار عکس گرفته و در جلد نخست کتاب خود با عنوان «آثار باستانی و تاریخی لرستان» که در تاریخ تیرماه هزار و سیصد و پنجاه منتشر شد به توصیف سنگ‌نگاره‌های این غار پرداخته است. روی دیوارهای مسطح این غار حدود یک صد و ده نقش بارنگ سیاه نقاشی شده است. موضوع غالب این آثار شکار و صحنه‌های رزمگامی است که در آن انسان‌ها سوار بر اسب و یا به صورت پیاده و اکثراً در حال تیراندازی و جنگیدن ترسیم شده‌اند. حیواناتی هم چون اسب، بز و حیوانی شبیه به گرگ بر دیوارهای این غار نقش شده است. نقوش غار دوشه از نظر صوری دارای خصوصیتی غنی هستند اما تاکنون به دقت، مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. پژوهش حاضر این آثار را با توجه به قدمت و اصالتی که دارند، مورد مطالعه قرار خواهد داد و سؤال اصلی که این مقاله قصد دارد به آن بپردازد از این قرار است: سنگ‌نگاره‌های غار دوشه دارای چه ویژگی‌های بصری هستند؟ هدف مقاله حاضر این است که با پاسخ به سؤال مطروحه، ویژگی‌های بصری نقوش غار دوشه را تبیین نماید؛ بنابراین در این مسیر پس از ذکر توضیحاتی کلی در باب منطقه لرستان و غار دوشه، نخست ویژگی‌های بصری نقوش را مورد بررسی قرار داده و سپس این نقوش را با مؤلفه‌هایی در زمینه هنرهای تجسمی مورد مطالعه قرار می‌دهد. همچنین به دلیل نبود این گونه مطالعات بر روی نقوش این غار، امید است این پژوهش موجب شود روی این موضوع تحقیقات بیشتری صورت گیرد.

## روش پژوهش

مقاله حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده و داده‌های آن به صورت کیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند. در این پژوهش از میان ۱۱۰ نقشی که بر دیواره غار دوشه بوده است، بر ۱۸ نقش تمرکز شده و ساختار بصری آن مورد مطالعه گرفته است. منبع اکثر این تصاویر، جلد نخست کتاب آثار باستانی لرستان ایزدپناه بوده و متأسفانه امروزه بخش اعظمی از نقوش این غار از بین رفته است. روند مطالعه نیز اینچنین است که ابتدا سه دسته از نقوش شامل حیوانی، انسان و ادوات جنگی از هم تفکیک شده و سپس هر دسته بر مبنای نحوه بازنمایی، حجم پردازی، رنگ، عمق‌نمایی، تناسب و روایت پردازی تجزیه و تحلیل شده است.

## پیشینه پژوهش

برای اولین بار در سال ۱۳۴۸ حمید ایزدپناه موفق به کشف این نقوش گردید. ایزدپناه (۱۳۵۰) یافته‌های خود را در سه جلد کتاب با عنوان «آثار باستانی و تاریخی لرستان» منتشر کرد. در جلد اول این کتاب توصیف مفصلی در رابطه با نقوش غار، تصاویر و تفسیر تصاویر انجام گرفته و رویکرد آن صرفاً معرفی نقوش است. پرفسور مک بورنی<sup>۱</sup> (۱۹۶۹) در این مناطق به حفاری و گمانه‌زنی پرداخت. در بهار سال (۱۳۸۳) یک هیئت باستان‌شناس از دانشگاه لیژ بلژیک به سرپرستی پرفسور مارسل اوت آجهت بررسی این نقوش به لرستان آمده و از این نقوش بازدید و نمونه برداری کرده‌اند. مهدی رضایی و سحر شریعت (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علت احیاء هنر صخره‌ای لرستان در دوران متأخر اسلامی با نگاهی به نقوش صخره‌ای لرستان» ضمن پژوهش در مورد نقاشی‌های غار دوشه نتیجه گرفته‌اند رواج استفاده از تفنگ بر کمیت و کیفیت امر نخجیرگری تأثیر گذاشته و سنگ‌نگاره‌ها، روایتگر دلاوری‌های این دلاور مردان است. ایرج اسکندری (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقاشی دیواری- از ماقبل تاریخ تا عصر حاضر (قسمت اول)» به بررسی نقوش غارها در اقصی نقاط جهان پرداخته و در یکی از بخش‌ها، این دسته از نقوش را در خاورمیانه و ایران مورد بررسی قرار داده است. همچنین مباحثی کلی در راستای آنچه ایزدپناه در کتب خود آورده، بیان نموده است. آرمان یعقوب‌پور (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی نقوش غارهای لرستان (دوشه، همیان، میرملاس)» با مطالعه روی نقوش غار دوشه نتیجه گرفته است که این نقوش بر پایه ذهنیتی کاملاً رئالیستی با موضوعاتی که زندگی روزمره آن انسان‌ها را شکل می‌دادند، به وجود آمده است و ساده بودن تصاویر حکایت از خام‌دستی خالق اثر داشته و همچنین نمی‌توان نام مکان مقدس بر غارهای لرستان نهاد.

## مبانی نظری پژوهش

مطالعه «ویژگی‌های بصری» سنگ‌نگاره‌های غار دوشه هدف اصلی این مقاله است و از آنجا که در شکل‌گیری هر نقش، طرح و تصویری از «عناصر بصری»<sup>۲</sup> و «اصول سازماندهی»<sup>۳</sup> بهره برده می‌شود، تجزیه و تحلیل سنگ‌نگاره‌ها مبتنی بر چگونگی استفاده از این عناصر و اصول سازماندهی آنها، چهارچوب نظری این مقاله را تشکیل می‌دهد. عناصر بصری از قابلیت اندازه‌گیری بهره‌مند هستند و یکی از اصلی‌ترین این عناصر «خط» بوده که نقش اساسی در نحوه بازنمایی ایفا می‌کند. «خط دارای انرژی تصویری فعال و متحرکی است که به یک جهت ادامه دارد و نیز قابل اندازه‌گیری و سنجش است» (حلیمی، ۱۳۹۱: ۵۴) و با مطالعه نقوش انسانی و حیوانی در نمونه‌های مورد مطالعه مشخصاً خطوط تشکیل‌دهنده بدن انسان‌ها و حیوانات حاوی اطلاعات خوبی از قبیل جهت قرارگیری، حرکت، نحوه بازنمایی و شبیه‌سازی هستند. همچنین «هر چیزی که دیده شود دارای «شکل» است که عامل عمده در شناسایی ذهنی ماست» (ونگ، ۱۳۹۲: ۴۵) و با مطالعه آن نیز می‌توان اطلاعاتی



قوم کاسی است که بر دیواره غارها نقش شده است (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۳۳). «در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد، اقوام هند و ایرانی که سواران چابکی بودند در نجد ایران ظاهر می‌شوند و به دو بخش مهم تقسیم می‌شوند. یک شاخه از راه جنوب شرقی به شبه‌قاره هند رفتند و شاخه دیگر از شمال غرب سرزمین ایران پیشروی کردند» (آژند، ۱۳۹۰: ۲۹). «اکثر آن‌ها در سوارکاری و پرورش اسب تبحر و زندگی خانه‌به‌دوشی داشتند» (چاپلید، ۱۳۸۶: ۶۱). «مورخانی چون هرودوت<sup>۷</sup> و استرابو<sup>۸</sup> این اقوام را کیمریان و سکاها نامیدند» (گیرشمن، ۱۳۷۶ و ۱۳۸۵: ۲۰). «همچنین گروهی از کیمریان در کوه‌های لرستان اقامت گزیدند» (آژند، ۱۳۹۰: ۲۹).

در بررسی‌های صورت گرفته درباره غارها معمولاً تاریخی تحت عنوان تاریخ سکونت در غار و تاریخی برای آثار هنری به دست آمده از غار مطرح می‌شود که با توجه به صحبت فوق از کتاب ایزدپناه، اکثر نقوش غارهای لرستان به تاریخ دو هزار سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. همچنین در ارتباط با نسبت دادن این سکونت‌گاه‌ها و آثار، با اقوامی هم‌چون آریایی‌ها و سکاها، نمی‌توان نظر دقیقی داد زیرا این گونه تقسیم‌بندی‌ها، خود یک سری فرضیات مطرح شده‌اند و برای استناد دقیق می‌توانیم از تاریخ به جای نام اقوام بهره‌گیریم.

### بخش چگنی استان لرستان

«چگنی یکی از بخش‌های نسبتاً وسیع لرستان است. مساحت آن به‌طور تقریبی یک هزار و پانصد کیلومتر مربع و محدود است از شمال به سفیدکوه از جنوب و جنوب خاوری به جاده سراسر و از باختر و جنوب باختری به بخش طرهان و از خاور به محدوده شهر خرم‌آباد. زمین آن نسبت به مساحت کلی این بخش اندک است. بیشتر خاک آن کوهستانی است» (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۳۷).

### غار دوشه

در جنوب دهکده و تنگه «کُرشورآب» واقع در منتهی‌الیه جنوبی بخش چگنی، کوهی موسوم به «دوشه» قرار دارد که در امتداد غربی آن دهکده سرخ‌دم کوه‌دشت و دنباله شرقی آن به رومشکان و جاده سراسری و آثار پل تاریخی «کلهر» منتهی می‌شود. در غرب تنگه دوشه در بالای قله کوه (تصویر ۱)، غاری قرار دارد که راه اصلی آن بسته شده و با گذشت زمان سقف آن به کف غار ریخته و راه فعلی غار از این قسمت است. امروزه برای ورود به غار باید از دیوار دومتري غار پایین رفت (تصویر ۲). ارتفاع غار از کف زمین تا سقف آن حدود پنج متر است و فضای داخلی آن به شکل دایره‌ای منظم است که انتهای قسمتی از دیواره‌های آن در اثر پیش‌آمدن دیواره‌های کوه، به هم خورده است. بر دیواره‌های مسطح این غار، حدود یک‌صد و ده نقش مختلف با رنگ سیاه نقاشی شده است. در بدنه‌ی غربی غار دوشه به غیر از نقوش، دو کتیبه قرار داشته که یکی از آن‌ها به‌طور کامل از بین رفته و دیگری تا حدودی محو شده است. بخشی از کتیبه‌ی باقی‌مانده که در پنج سطر نوشته شده، به احتمال به خط آرامی<sup>۹</sup> است (تصویر ۷). مهم‌ترین علتی که

به دست آورد. عنصر دیگر در مطالعه ویژگی‌های بصری نمونه‌های مورد مطالعه «رنگ» است که بیشترین میزان بیانگری در میان عناصر بصری را دارد (Ocvirk, 2013: 184) و در تمامی موارد به صورت تخت و بدون تنالیت استفاده شده است. از منظر بهره‌مندی از کیفیات بصری و اصول سازماندهی نیز نقوش سنگ‌نگاره‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و عمق‌نمایی و تناسب در آنها مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و اندازه نقوش نسبت به یکدیگر و نسبت به کل ترکیب اثر مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر ویژگی‌های بصری مذکور که بخش اصلی چهارچوب نظری مقاله را تشکیل می‌دهد، بهره‌مندی از ویژگی‌های بصری در راستای «روایت‌پردازی» نیز مورد توجه بوده است.

### اجتماعات نخستین در ناحیه زاگرس و لرستان

«با بررسی‌هایی که از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۸ به وسیله هیئت‌های علمی دانشگاه‌های رایس<sup>۵</sup> و کمبریج<sup>۶</sup> انجام شد، در نقاط مختلف منطقه لرستان آثار تمدن از دوره‌های مختلف حجر به دست آمد. قدیمی‌ترین آثار تمدن سنگی از کوه «همیان» واقع در شمال کوه‌دشت و بعضی نقاط دشت «رومشکان» و نیز از «غار کنجی» واقع در جنوب خاوری دره خرم‌آباد و غارهای دیگر این دره یافت شد. ابزار مکشوفه از غار «کنجی» و غار «همیان» مربوط به دوره «پارینه‌سنگی» هستند و قشر «مستری» آن‌ها نزدیک به ۴۰,۰۰۰ سال تاریخ‌گذاری شده است. براساس کاوش‌های صورت گرفته، منطقه لرستان از دیرباز مسکون بوده است. از ابزار سنگی به دست آمده، زندگی و نوع معاش مردم دوره حجر لرستان قابل توجه و بررسی است. خوراک عمده آنان از گوشت حیواناتی تأمین می‌شده است که در اطراف اقامتگاه خود شکار می‌کردند» (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۳-۲۴). در این جوامع با توجه به تقسیم وظایفی که میان زنان و مردان صورت گرفته بوده است، زنان در کنار نگهداری از آتش و احتمالاً ساخت ظروف سفالی، در طبیعت به جمع‌آوری مواد خوراکی از قبیل ریشه گیاهان و میوه‌های خشک می‌پرداختند (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۱۰-۱۱).

با توجه به نتایج بررسی‌های صورت گرفته توسط مک بورنی، تاریخ نقاشی‌های غارهای تنگه «میرملاس» و «همیان» به هزاره دوم قبل از میلاد تخمین زده شده است. در این نقوش چند نوع حیوان با در نظر گرفتن مفاهیم مورد نظر مردمان آن دوران، تصویر شده که به‌طور مثال به نظر می‌آید از اسب برای شکار و جنگ استفاده می‌شده و این یکی از تجلیات



تصویر ۱. کوه «دوشه» که غار دوشه در آن واقع شده است.  
منبع: ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۷۲



زندگی خود، این نقوش را بر روی دیوارهای غار دوشه که به شکل دایره‌ای منظم با دیواره‌های مسطح است، شکل داده‌اند. این نقوش که به سه بخش انسانی، حیوانی و ادوات جنگی تقسیم می‌شوند، شامل صحنه‌های شکار، شکارچیان سواره و پیاده، بز کوهی و گرگ هستند.

«آنچه کار هنرمندان اعصاب مختلف را به هم پیوند می‌دهد تشابه کلی روشی است که آنان برای بیان مقاصدشان به کار می‌بردند. تصویرگر پیشاتاریخی طبیعت‌نگار نبود و اساساً گرایش به تقلید از ظواهر عینی اشیاء و موجودات نداشت. او برای رسانیدن مفهومی خاص به نمایش چند ویژگی اساسی و بازشناختنی از چیزها بسنده می‌کرد. بدین سان، پدیده‌های واقعی بر حسب ذهنیت تصویرگر به نشانه‌های رمزی تبدیل می‌شوند. این روش را چکیده‌نگاری<sup>۱</sup> می‌نامند که ساده‌سازی شکل‌ها و اغراق و تحریف صوری از ملزومات آن است. در روند کار بست این روش بود که مجموعه‌ای از قراردادهای تصویری برای بیان مضمون‌های معین شکل گرفت و از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر رسید» (پاکباز، ۱۳۹۰: ۱۷). نقوش غار دوشه بارنگ سیاه بر سطح سنگ کشیده شده‌اند. در نقوش مناطقی هم چون، نقوش صخره‌ای کردستان و یا نقوش غار عقربلو، با نقر کردن و حک کردن روی سنگ، نقش موردنظر خود را به وجود می‌آوردند، اما در مورد نقوش غار دوشه، همانند برخی نقوش صخره‌ای کوه دنبه اصفهان فقط با گذاشتن رنگ بر سطح سنگ، دست به ایجاد نقش زده‌اند. «به‌طور کلی این نقوش روشن‌تر از نقوش تنگه «میرملاس» و «چالگه شله همیان» در کوه‌دشت است و احتمالاً قدمت آن‌ها را ندارد. تمامی نقوش دوشه بارنگ سیاه نقاشی شده در صورتی که نقوش میرملاس و همیان بارنگ‌های سیاه و قرمز و یک نقش نیز بارنگ زرد نقاشی شده است» (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۵۰). طی بررسی نحوه بازنمایی نقوش غار دوشه به نظر می‌رسد برای مصورسازی نقوش به بافت طبیعی سنگ توجه خاصی نشده و بافتی که زیر برخی نقوش وجود داشته آگاهانه نبوده و تصادفی رخ داده است. تمامی نقوش غار دوشه تک‌رنگ، تخت، سیاه و یک‌دست<sup>۱۱</sup> هستند و در نتیجه در این نقوش چیزی تحت عنوان عنصر خط وجود ندارد.

### تجزیه و تحلیل صوری سنگ‌نگارهای غار دوشه

#### ۱. نقوش انسانی

این دسته از نقوش از نظر تعداد نسبت به نقوش حیوانی در اکثریت هستند (تصویر ۱۲). با بررسی سنگ‌نگارهای غار دوشه، می‌توان به جنبه روایی این نقوش پی برد. هر بخش روایتگر داستانی از شکار و یا جنگ است و روایتی میان انسان‌ها و روابط آن‌ها با حیوانات به تصویر آمده است. در این سنگ‌نگارها بیننده تحت تأثیر احساسات درونی اشخاص تصویر شده قرار می‌گیرد به‌خصوص در صحنه رزمگاه (تصویر ۱۲) که کاملاً دارای جنبه روایی است. انسان‌ها در سنگ‌نگارهای غار دوشه بیشتر شکارچی هستند و سوار بر اسب یا پیاده در حال شکار بز کوهی تصویر شده‌اند. افرادی نیز در حمله به انسانی و کشتن شخصی کشیده شده‌اند. در میان نقوش، گاه نقش منفرد سواری به‌ظاهر شکارچی و گاه تصویر تعدادی انسان که با آرایش خاص ایستاده‌اند را شاهدیم. در (تصویر

موجب سالم ماندن نقوش این غار گشته آن است که در معرض عوامل و عوارض طبیعی قرار نداشته‌اند. در دهانه حفره‌های بیخ غار، استخوان‌های پوسیده انسان و حیوان و سفال‌های شکسته دیده شده است. حمید ایزدپناه اولین کسی بوده است که از نقوش این غار عکس گرفته و جریان کشف آن‌ها را به اطلاع انجمن آثار ملی و اداره کل باستان‌شناسی رسانیده است (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۴۳-۲۴۴). طی جمع‌بندی از مطالب گردآوری شده و به گفته دکتر نصرالله تسلیمی: «به‌طور رسمی از حضور اقوامی که در منطقه لرستان سکونت گاه داشتند، بنا بر رفت‌وآمدها می‌شود یک بازه زمانی را بین ۸۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پ.م در نظر بگیریم و بگوییم این نقاشی‌ها می‌تواند مربوط به این بازه زمانی باشد؛ اما به نظر می‌رسد بنا به شواهدی که اشاره شده است و به دلیل ماندگاری‌شان و یا سبک سوارکاری که در سنگ‌نگارهای غار دوشه وجود دارد، این نقاشی‌ها مربوط به اواخر این بازه زمانی باشد؛ نه این که به اقوام اولیه خود لرستان نسبت داده شوند. بحث دیگری که وجود دارد این است که برای تشخیص تاریخ دقیق نقاشی‌ها، طبیعتاً تصویر به‌تنهایی کفایت نمی‌کند و باید آزمایش‌ها کربن ۱۴ انجام دهند یا پرتونگاری‌های مختلف و کارهای متفاوتی صورت بگیرد تا بتوانند تاریخ دقیق ارائه بدهند» (نصرالله تسلیمی، گفت‌وگوی شخصی، اردیبهشت ۱۳۹۹). در نتیجه می‌توان گفت تاریخ سکونت در غار دوشه به بازه ۸۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد و تاریخ حدودی نقوش کشیده‌شده بر دیواره غار به حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد. متأسفانه طبق اطلاعات موجود، بخش اعظمی از سنگ‌نگارهای غار دوشه، بر اثر گذشت زمان و تخریب‌های گسترده انسانی از بین رفته و اکثر مستندات، عکس‌هایی است که امروزه از این نقوش در دست است. بخش اصلی این تصاویر توسط حمید ایزدپناه در جلد نخست کتاب ایشان با عنوان «آثار باستانی و تاریخی لرستان» قرار گرفته است.

#### نقوش غار دوشه

در دوران پیش از تاریخ غارها مصرف‌های گوناگونی داشته‌اند. بعضی از غارها به‌عنوان محل سکونت بودند، بعضی مکان کشتار و برای مدت کوتاهی اقامتگاه شکارچیان بوده است. دسته دیگر این غارها برای اجرای مراسم‌های آیینی و دعا بوده و جنبه سکونت گاهی نداشتند. در رابطه با علت شکل‌گیری نقوش غار دوشه هنوز اطلاع دقیقی از وضعیت استفاده این غار در آن دوران در دست نیست اما با توجه به مشاهدات تصویری، به نظر می‌رسد ساکنین اولیه لرستان به‌منظور تصویر کردن شرایط عادی



تصویر ۲. دهانه غار دوشه که به داخل آن فروریخته است. منبع: (مرادی، ۱۳۹۲)



آن‌ها، جهت قرارگیری آن‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به این امر اکثر نقوش انسانی احتمالاً به‌صورت سه رخ و جهت پاها به چپ، راست و یا هردو طرف کشیده شده است. نقوش انسانی در غار دوشه، دارای نوعی حرکت هستند. در این نقوش انسان‌ها با فیگورهای متفاوتی کشیده شده‌اند. جمع‌کنندگی از آن‌ها را مبارزان و شکارچیان سوار بر اسب و پیاده تشکیل داده‌اند و مابقی افراد جناح روبه‌رو هستند که یا مورد حمله قرار گرفته، مرده‌اند، یا از خود یا افراد خود در برابر حمله دفاع می‌کنند و عده‌ای نیز به نظر می‌رسد به‌صورت آماده‌باش ایستاده‌اند. با بررسی جهت قرارگیری نقوش انسان‌ها در می‌بایم در صحنه‌هایی که در آن یک سوارکار تصویر شده است (تصاویر ۳، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۲۰) به‌جز یک مورد (تصویر ۱۵) جهت قرارگیری آن‌ها به سمت مشرق است. همچنین در صحنه‌ی بزرگی هم‌چون رزمگاه در تصویر (۱۲) با سطحی ۸۰×۵۵ سانتی‌متر که ۱۸ سوار در آن نقش شده‌اند تا جایی که مشخص است دو تا از سوارکارها به سمت مشرق و مابقی به سمت مغرب قرار دارند. رنگ: در این نقوش از ماده‌ای سیاه‌رنگ استفاده شده و اطلاعی از مواد تشکیل‌دهنده آن در دست نیست.

**عمق‌نمایی:** فیگورهای انسانی در (تصاویر ۹ و ۱۲) با در نظر گرفتن ساین یکی از افراد به‌عنوان معیار، دارای نوعی تغییر در اندازه هستند و این بزرگ و کوچک کشیده‌شدن فیگورها هم می‌تواند براساس برتری، شبیه به پرسپکتیو مقامی بوده و هم می‌تواند نشان‌دهنده کوچکی و بزرگی سنی افراد باشد. در بررسی (تصویر ۵) مشخص می‌شود ۹ انسان سلاح به‌دست، آرایشی نظامی گرفته‌اند و فیگورها از راست به چپ تصویر دارای نوعی

(۴) سمت راست دو انسان نیزه به دست ایستاده‌اند.

**نحوه بازنمایی:** انسان‌ها در این نقوش به شیوه‌ی چکیده‌نگاری کشیده شده‌اند. هنرمند با دوری از طبیعت‌پردازی صرف و با خلاصه‌سازی برخی عناصر، دست به طراحی فیگورها با خصوصیتی منحصر به فرد زده است. فیگورهای انسانی غار دوشه با خطوطی حالت نما و ساده که صرفاً حجم کلی اعضا را نشان می‌دهد، کشیده شده‌اند. این فیگورها دارای ویژگی‌هایی هستند که آن‌ها را از دیگر فیگورهای انسانی بر سطوح سنگی متمایز می‌کند. به‌عنوان مثال در سنگ‌نگاره‌های تیره که دارای نقوش متعددی از فیگورهای انسانی و حیوانی است، شاهد انواع فیگور انسانی هستیم که برخی از آن‌ها به ساده‌ترین حالت خطی ترسیم شده‌اند، یعنی یک خط باریک برای نشان دادن بدن، چند خط کوچک برای نشان دادن دست‌ها و پاها و یک سر و در طراحی فیگورهای دیگر نوعی دفرماسیون به وجود آمده است. طی این بررسی‌های تصویری در می‌بایم، فیگورهای انسانی غار دوشه اندکی به واقعیت نزدیک هستند و در کشیدن آن‌ها به حجم کلی بدن، دست‌ها و پاها پرداخته شده است. شکل پاها و اکثر افراد ایستاده هشتی شکل بوده و غالب نقوش انسانی در اندازه‌ای بین ۶ تا ۸ سانتی‌متر کشیده شده‌اند. آنچه در بررسی‌ها به نظر می‌رسد پیکر انسان‌ها ممکن است با لباس طراحی شده باشند، همچنین ادواتی چون تیردان بر پشت دارند و در تصویری به نظر کلاه خودی بر سر داشته است (تصویر ۳). در این نقوش، جنسیت افراد به‌درستی قابل تشخیص نیست و به نظر می‌رسد همه افراد مردانی شکارچی و رزمنده هستند. تناسب آناتومی حدوداً به‌طور درستی رعایت شده و می‌توان گفت طرز قرارگیری پا یا کفش



تصویر ۴. غار دوشه، نقش دو نفر پیاده تیر و کمان به دوش به فاصله ۴ سانتی‌متر از هم، اندازه هر یک ۲۳×۷ سانتی‌متر. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۷۶)



تصویر ۳. غار دوشه، نقش یک سوار که تیر و کمان بدوش چپ انداخته، اندازه ۹×۸ سانتی‌متر. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۷۵)



تصویر ۶. غار دوشه، نقش یک سگ شکاری در حال حمله به سه گوزن، اندازه ۲۸×۱۲ سانتی‌متر. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۷۸)



تصویر ۵. غار دوشه، نقش ۹ نفر که هر یک کمانی در دست دارند در حالت تیراندازی، اندازه ۱۸×۸ سانتی‌متر. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۷۷)



که حدوداً دو تا سه برابر اندازه انسان کشیده شده‌اند. کمی پایین‌تر نیز، یک بز در ابعادی حدود ۲ تا ۳ برابر انسان‌ها کشیده شده است. با گذشت از آن نقوش، در مرکز صحنه رزمگاه، تعداد زیادی از افراد سواره و پیاده هستند که تناسب آن‌ها با اسب‌ها و بزهایی که اطرافشان است، صحیح است. در قسمت تحتانی صحنه رزمگاه، انسان‌های سواره و پیاده به نسبت انسان‌های کشیده شده در مرکز تصویر، دارای تناسب بزرگ‌تری هستند. همچنین در تصویر (۹) که در آن نقش دو انسان و سه بز به تصویر درآمده است، شاهد تغییر تناسب واقعی میان اندازه انسان‌ها و بزها هستیم. یکی از بزها دو برابر انسان بزرگ، کشیده شده است و جلوی او یک انسان بسیار کوچک به تصویر آمده است. با مشاهده و بررسی تصویر (۱۹) درمی‌یابیم تصویر انسان سوار بر اسب در میان تعدادی از بزها از تناسب واقعی پیروی نکرده است. تصویر انسان به نسبت اسب، بسیار کوچک

عمق‌نمایی شده‌اند، به نحوی که دو نفر سمت راست تصویر کمی بزرگ‌تر از افراد وسط تصویر و سمت چپ کشیده شده‌اند. در این تصویر جهت قرارگیری فیگورها به سمت مغرب است. به همین ترتیب این گونه تغییر اندازه در نقوش انسانی، نوعی عمق‌نمایی را در ذهن انسان متبادر می‌سازد. **حجم‌پردازی:** در تصاویری که شامل نقش انسان هست، با وجود آنکه فیگورها در حالات مختلفی هستند، برای کشیدن اعضای بدن هیچ‌گونه تالیته رنگی وجود نداشته و رنگ نقوش تخت و بدون سایه‌روشن بر سطح سنگ گذاشته شده است. در نقوش انسانی به حجم فیگورها پرداخته نشده است.

**تناسبات:** طی بررسی تناسب میان فیگورهای انسانی، حیوانات و ادوات جنگی می‌توان نتیجه گرفت انسان‌ها با تناسب متفاوتی کشیده شده‌اند. با توجه به تصویر (۱۲) در بالای نقوش، چند گرگ دیده می‌شود



تصویر ۸. غار دوشه، نقش سواری که با نیزه به دو نفر پیاده حمله‌ور شده است و یکی از پیاده‌ها بر زمین افتاده است. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۸۰)



تصویر ۷. غار دوشه، قسمتی از کتیبه در پنج سطر، اندازه ۱۰×۷ سانتی‌متر. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۷۹)



تصویر ۱۰. غار دوشه، نقش دو حیوان شبیه سگ به دنبال هم، اندازه ۱۰×۶ سانتی‌متر. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۸۲)



تصویر ۹. غار دوشه، نقش دو نفر در حال تیراندازی به دو گوزن، منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۸۱)



تصویر ۱۲. (چپ): غار دوشه، صحنه رزمگاه، اندازه ۸۰×۵۰ سانتی‌متر. منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۸۴)؛ (راست): غار دوشه، بخشی از صحنه رزمگاه، منبع: (غار دوشه، ۱۳۹۲)



تصویر ۱۱. غار دوشه، نقش حیوانی شبیه سگ، در حال دویدن، اندازه ۱۲×۸ سانتی‌متر، منبع: (ایزدینا، ۱۳۵۰: ۲۸۳)



۱۲ و ۱۹) دارای جنبه روایت‌پردازانه هستند. در نقوش غار دوشه نقش بز در صحنه‌های شکارگاهی به‌وفور دیده می‌شود.

**نحوه بازنمایی:** با بررسی سنگ‌نگاره‌های غار دوشه درمی‌یابیم تصویر یک یا چند بز کوهی در صحنه‌های متعدد، همراه گاو و یا انسان‌های شکارچی سواره و پیاده تصویر شده‌اند. بزهای سنگ‌نگاره‌های غار دوشه نیز، به‌صورت چکیده‌نگاری تصویر شده‌اند و برای نشان دادن بدن بز از یک خط افقی که سری ساده و دوشاخ بزرگ دارد استفاده شده است. پاهای بز به‌صورت زوج در دو طرف بدن تصویر شده و هر چهار عدد آن‌ها قابل‌رویت است. در برخی نقوش بدن و سر بز به‌صورت نیم‌رخ (تصویر ۱۹) و در برخی تصاویر دیگر بزها با بدن نیم‌رخ و سر از روبه‌رو و تمام‌رخ مصور شده‌اند (تصویر ۱۲). در تصویر (۱۷) یک حیوان تصویر شده که به نظر نگارنده بزی در حال پرش است.

**رنگ:** در طراحی نقوش بز، از ماده‌ای سیاه‌رنگ استفاده شده که امروزه اطلاعی از ترکیبات آن در دست نیست اما از نظر بصری این رنگ سیاه است.

**عمق‌نمایی:** در این نقوش، زمانی که تصویر بز منفرداً استفاده شده نمی‌توان راجع به عمق‌نمایی اظهارنظر کرد. اما در صحنه‌هایی که در آن به شکارگاه پرداخته شده و تجمع نقوش حیوانی وجود دارد، مشخصاً با تغییر اندازه روبه‌رو هستیم (تصاویر ۹، ۱۲ و ۱۹). در نتیجه می‌توان گفت به‌واسطه این تغییر اندازه، نوعی عمق‌نمایی در تصویر قابل مشاهده است.

**حجم‌پردازی:** در بررسی تصاویری که در آن‌ها به نقش بز پرداخته

کشیده شده و سه بز از چهار بز اطراف آن‌ها، همانند اسب، چند برابر انسان کشیده شده‌اند.

**ترکیب‌بندی:** در بعضی تصاویر غار دوشه ترکیب‌بندی پراکنده مشاهده می‌شود، یعنی بین عناصر نمی‌توان هیچ نسبت هندسی برقرار کرد و نقاش قبل از شروع کار، هیچ ترکیب‌بندی هندسی را مدنظر نداشته است (تصویر ۱۲). همچنین در بعضی از تصاویر ترکیب‌بندی مثلثی وجود دارد و آنچه مشخص است عناصر در غالب یک‌شکل مثلث نقش شده‌اند (تصویر ۸). برخی دیگر از تصاویر (تصویر ۵) دارای نوعی ترکیب‌بندی منسجم است، یعنی نقاش تمام عناصر بصری را در نقطه‌ای به‌صورت متمرکز قرار داده است.

## ۲. نقوش جانوری

این دسته از نقوش تنها سه نوع حیوان را نشان می‌دهد که شامل اسب، بزکوهی و گاو است. در این میان باید به این موضوع اشاره کرد که یک تصویر توسط ایزدپناه خرگوش نامیده شده ولی آنچه مشخص است، این تصویر را نیز می‌توان زیرمجموعه نقش بز قرار داد. همچنین ایشان نقشی که نگارنده از آن به‌عنوان گاو نام می‌برد را، سگ نامیده‌اند و در بعضی مواقع، در میان نقوش مربوط به بزکوهی بعضی را گوزن و بعضی را بز نام‌گذاری کرده‌اند که نگارنده همه این دسته را مربوط به نقش بز (بزکوهی) می‌داند.

۲-۱. **نقش بز کوهی:** نقش این حیوان جزو نقوشی است که در همه اعصار و مکان‌ها به‌وفور کار شده است. در میان این نقوش (تصاویر ۶، ۹،



تصویر ۱۴. غار دوشه، سواری کمان‌بند در حال رفتن به‌طرف شرق، اندازه ۱۳×۹ سانتی‌متر. منبع: (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۸۶)



تصویر ۱۳. غار دوشه، نقش یک نفر سوار بر اسب که به پیاده‌ای حمله‌ور شده است و پیاده دیگر بر زمین افتاده. منبع: (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۸۵)



تصویر ۱۶. (راست): غار دوشه، نقش یک گوزن و یک شکارچی. منبع: (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۸۷)؛ (چپ): غار دوشه، بخشی از تصویر سمت راست. منبع: (گالری نقاشی پنج‌هزار ساله، ۱۳۹۲)



تصویر ۱۵. غار دوشه. سواری کمان‌بند به دوش در حال رفتن به سمت غرب. منبع: (غار دوشه، بی تا)



**عمق‌نمایی:** در تصویر (۸) یک اسب و سوار به جهت مشرق کشیده شده و جلوی آن‌ها دو نفر پیاده، بزرگ‌تر از اندازه فیگور سوار بر اسب ترسیم شده‌اند. همچنین در تصویر (۱۹) که سواری در میان تعدادی بز نقش شده، دو بز با اندازه‌های بزرگ‌تر از اسب کشیده شده است. به واسطه این تغییر اندازه‌ها می‌توان گفت این نقوش داری عمق‌نمایی هستند.

**حجم‌پردازی:** در بررسی نقوش اسب درمی‌یابیم در آن‌ها حجم‌پردازی دیده نمی‌شود. به طوری که در پاهای نزدیک‌تر و دورتر این نقش هیچ‌گونه تنالیته رنگی به کار نرفته و کل نقش تخت و بدون سایه‌پردازی، رنگ‌آمیزی شده است.

**تناسبات:** در تصویر (۱۸) یک اسب و سوار نقش شده‌اند که با در نظر گرفتن اندازه واقعی میان اسب و انسان، اسب بسیار بزرگ‌تر از سوار به تصویر درآمده است. همچنین در تصویر (۱۹) اسب و سوار در میان بزها تصویر شده‌اند و اندازه اسب و چند عدد از بزها متناسب با اشل انسانی، بسیار بزرگ تصویر شده است. در نتیجه می‌توان گفت در این نقوش از تناسبات درست پیروی نشده است.

**ترکیب‌بندی:** در تصویر (۲۰) یک سوار در حال تاختن اسب به تصویر درآمده و به دلیل این‌که حالتی اریب به خود گرفته، از ترکیب‌بندی پویایی برخوردار است. در تصاویر (۸، ۱۲، ۱۳ و ۱۹) در هر کدام به صورت مجزا مجموعه‌ای از نقوش حیوانی و انسانی همچنین نقش اسب، بر سطح دیوار غار به صورتی منسجم نقش شده و ترکیب‌بندی منسجمی را به وجود آورده‌اند.

**۲-۳. نقش گرگ:** به نظر نگارنده نقش حیوانی که ایزدپناه از آن به عنوان سگ نام برده‌اند، متعلق به گرگ است. در نقوش غار دوشه از نقش گرگ به نسبت دیگر نقوش کم‌تر استفاده شده است. در بررسی نقوش در تصاویر (۶ و ۱۲) ما شاهد روایت‌پردازی در نقوش هستیم. نقش گرگ در موضوع شکار گاهی به خصوص در حالت شکار بز به تصویر آمده است.

**نحوه بازنمایی:** با استناد به تصاویر (۱۰۶، ۱۱ و ۱۲) جهت قرارگیری گرگ‌ها به سمت مشرق کشیده شده است. گرگ‌های تصویر شده در غار دوشه به صورت چکیده‌نگاری تصویر شده‌اند، همچنین برای نشان دادن بدن گرگ از یک خط افقی با نشان دادن سر و گوش‌ها و پوزه‌ای با دهان باز و در انتها، دم بلند که به بالا برگشته تصویر شده است. پاهای

شده است درمی‌یابیم با آنکه تصاویر از نیم‌رخ تصویر شده‌اند، پاهای جلو و عقب، پاهای نزدیک‌تر و دورتر از نظر رنگی هیچ تفاوتی ندارند و تماماً با یک تنالیته نقاشی شده‌اند. در نتیجه در این نقوش حجم‌پردازی دیده نمی‌شود و رنگ‌ها تخت و دو بُعدی بر سطح دیوار غار گذاشته شده‌اند.

**تناسبات:** طی بررسی نقوشی که شامل نقش بز هستند، درمی‌یابیم این نقوش از تناسبات درستی تبعیت نکرده‌اند. در تصویر (۶) نقش بزها در اطراف نقش گرگ دارای تناسبات واقعی نبوده و بزها بسیار کوچک‌تر از گرگ تصویر شده‌اند و به غلبه گرگ بر بزها اشاره شده است. در تصویر (۹) یکی از بزها از انسان بزرگ‌تر تصویر شده و این اتفاق را در تصاویر (۱۶ و ۱۹) نیز شاهدیم که در آن بزها چندین برابر انسان به تصویر درآمده‌اند. در تصویر (۱۲) صحنه رزمگاه، غیر از حدوداً دو مورد که بزهایی با اندازه بزرگ‌تری نسبت به اشل انسانی کشیده شده‌اند، بقیه بزها با تناسبات درست تصویر شده‌اند.

**ترکیب‌بندی:** سنگ‌نگاره‌هایی که شامل نقش بز هستند، دارای ترکیب‌بندی‌های گوناگونی است. در تصاویر (۹، ۱۲، ۱۶ و ۱۹) نقوش حیوانی و انسانی به صورت متمرکز در جایی از سطح دیوار غار نقش شده و دارای ترکیب‌بندی منسجمی هستند. همچنین در تصویر (۱۹) نقش یک بز در حال پرش ترکیب‌بندی پویایی را به وجود آورده است.

**۲-۲. نقش اسب:** با بررسی نقوش درمی‌یابیم در تصاویر (۸، ۱۲ و ۱۹) به نوعی روایت‌پردازی، پرداخته شده است. اسب در تمام نقوش غار دوشه به عنوان مرکب برای انسان‌ها که یا به صورت تک نقش (تصاویر ۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۰) و در دیگر نقوش در حال جنگ یا شکار کشیده شده است.

**نحوه بازنمایی:** اسب‌های تصویر شده در غار دوشه به صورت چکیده‌نگاری تصویر شده و برای نشان دادن بدن اسب از یک خط افقی که سری ساده با دو گوش کوچک دارد استفاده شده است. پاهای اسب به صورت زوج در دو طرف بدن تصویر شده و هر چهار عدد آن‌ها قابل رؤیت بوده، در آخر یک دم بلند هلالی شکل برای اسب کشیده‌اند. در اکثر نقوش دهانه اسب به دست سوار ترسیم شده است. در کلیه نقوش این غار اسب‌ها به صورت نیم‌رخ تصویر شده‌اند.

**رنگ:** نقوش غار دوشه با ماده سیاه‌رنگی بر سطح سنگی دیواره این غار کشیده شده‌اند و نقش اسب نیز به رنگ سیاه است.



تصویر ۱۸. غار دوشه، نقش یک سوار در حال حرکت به جانب مشرق، اندازه ۱۴×۱۱ سانتی‌متر. منبع: (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۸۹)



تصویر ۱۷. غار دوشه، نقش یک خرگوش، اندازه ۷×۵ سانتی‌متر. منبع: (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۸۸)





تصویر شده در پایین را نشان می‌دهد.

**ترکیب‌بندی:** در تصویر (۶) شاهد ترکیب‌بندی متمرکز و منسجم با نقش مرکزی گرگ هستیم.

### ۳. نقوش ادوات جنگی

در سنگ‌نگاره‌های غار دوشه متناسب با موضوع اکثر آن‌ها، انسان‌ها با ادوات و سلاح‌هایی کشیده شده‌اند. وسایلی چون تیردان (تصویر ۳)، بعضی ابزارهایی هم چون شمشیر، کمان، ابزاری مثل نیزه و وسیله‌ای برای پرتاب تیر (تصویر ۹) از وسایل آنان است. با بررسی نقوش این غار درمی‌یابیم، یکی از مؤثرترین عوامل در نشان دادن جنگ و نزاع و یا صحنه‌های شکار، مصور کردن ادوات جنگی است. در همین راستا تصاویر دارای خصلت روایت‌پردازانه هستند. نقوش این غار با توجه به ادوات جنگی، به جنگ و نزاع و یا صحنه‌های شکارگاهی و رزمگاه مربوط می‌شوند.

**نحوه بازنمایی:** در نقوش این غار ادوات جنگی یا در حال استفاده هستند و یا همانند تیردان بر پشت فرد کشیده شده‌اند.

**رنگ:** در تصویر کردن نقوش ادوات از ماده سیاه‌رنگی استفاده شده است.

**عمق نمایی:** در تصویر (۵) که در آن ۹ فیگور با آرایشی نظامی در حال تیراندازی می‌باشند، این فیگورها به علت تغییر اندازه، عمق نمایی را

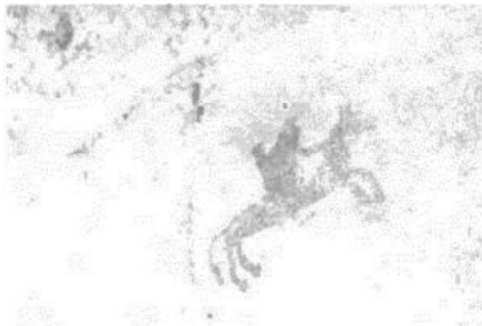
گرگ به صورت زوج در دو طرف بدن کشیده شده و هر چهار عدد آن‌ها قابل‌رؤیت است. در تصویر (۱۱) که دیتیلی از صحنه رزمگاه است، گرگ یکی از پاهای جلوی خود را به طرف بالا و پوزه خود آورده است. در کلیه نقوش گرگ‌ها به صورت نیم‌رخ تصویر شده‌اند.

**رنگ:** در این نقوش از ماده‌ای سیاه‌رنگ استفاده شده است.

**عمق‌نمایی:** با بررسی تصویر (۱۲) در صحنه رزمگاه، درمی‌یابیم سه گرگ بزرگ در بالای صحنه تصویر شده‌اند و این تفاوت اندازه میان آن‌ها و تصاویر پیرامون هم چون نقوش شکارگاهی و صحنه‌های رزم بیانگر عمق نمایی در این تصویر است.

**حجم پردازی:** در نقوش گرگ هیچ‌گونه تنالیتبه رنگی برای نشان دادن حجم بدن و اعضای دور و نزدیک آن به کار نرفته و رنگ‌ها تخت و دو بُعدی هستند (تصاویر ۱۰، ۱۱ و ۱۲). در نتیجه در نقوش گرگ هیچ‌گونه حجم پردازی دیده نمی‌شود.

**تناسبات:** طی بررسی نقوش درمی‌یابیم در تصویر (۶) یک گرگ در اندازه بزرگ در میان چند بز که با توجه به تناسبات واقعی بسیار کوچک کشیده شده‌اند، به تصویر درآمده است. این تفاوت اندازه در نقش گرگ با دهانی باز، غلبه او بر بزها را نشان می‌دهد. در تصویر (۱۲) چند گرگ بزرگ در بالای صحنه رزمگاه نقش شده‌اند که با توجه به تناسبات میان اندازه این موجودات با انسان‌ها و دیگر حیوانات، گرگ‌ها با اندازه‌های بسیار بزرگ کشیده شده‌اند و غلبه و برتری آن‌ها بر صحنه



تصویر ۲۰. غار دوشه، نقش یک سوار در حال تاختن. منبع: (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۹۱)



تصویر ۱۹. غار دوشه، نقش شکارگاهی که در آن چهار گوزن و یک سوار تیرانداز دیده می‌شود. منبع: (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۲۹۰)

جدول ۱. تجزیه و تحلیل بصری سنگ‌نگاره‌های غار دوشه.

نقوش	نحوه بازنمایی	حجم پردازی	رنگ	عمق نمایی	تناسبات	روایت پردازی
شکارچی در حال جنگ پیاده سواره	۱. چکیده نگاری	فاقد حجم پردازی. تخت و دوبعدی	سیاه	دارد	رعایت نشده	دارد
	۲. جهت قرارگیری پاها، نشانگر جهت فیگور انسان					
	۳. حدوداً دارای پوشش لباس					
	۴. چکیده نگاری					
بز اسب گرگ	۱. چکیده نگاری	فاقد حجم پردازی. تخت و دوبعدی	سیاه	نقش بز: دارد نقش اسب: ندارد نقش گرگ: ندارد	۱. نقش بز: رعایت نشده ۲. نقش اسب: رعایت شده ۳. نقش گرگ: رعایت شده	دارد
	۲. نقش بز: در مواردی کاملاً نیم‌رخ و در مواردی بدن نیم‌رخ و سر از روبرو					
	۳. نقش اسب: تماماً نیم‌رخ					
	۴. نقش گرگ: تماماً نیم‌رخ					
شمشیر تیر و کمان نیزه ابزار تیراندازی	۱. چکیده نگاری	فاقد حجم پردازی. تخت و دوبعدی	سیاه	ندارد	۱. شمشیر: رعایت شده ۲. تیر کمان: رعایت شده ۳. نیزه: رعایت نشده ۴. تیراندازی: رعایت شده	دارد
	۲. تصویر شده از نمای جانبی					



به وجود آورده‌اند و این مورد درباره اندازه وسیله‌ای که برای تیراندازی در دست دارند نیز صدق می‌کند.

**حجم پردازی:** در نقوش تیروکمان، نیزه، تیردان و ابزار تیراندازی، هیچ‌گونه تنالیت رنگی دیده نمی‌شود و ابزار آلات تخت و بدون سایه روشن کشیده شده‌اند. در نتیجه در این نقوش حجم پردازی وجود ندارد.

**تناسبات:** در تصویر (۸) سواری نیزه به دست را نشان می‌دهد که اندازه نیزه متناسب با اندازه انسان، بزرگ‌تر کشیده شده است.

**ترکیب‌بندی:** با بررسی نقوش (تصاویر ۵، ۸، ۱۲ و ۱۳) و توجه به خط‌ارایی که نیزه را در دست فرد نشان می‌دهد، می‌توان گفت در ترکیب‌بندی حالتی از پویایی و تحرک به وجود آمده است. همچنین هر یک از این نقوش به‌صورتی منسجم بر دیوار غار شکل گرفته و ترکیب‌بندی منسجمی را ایجاد کرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

در غار «دوشه» حدود یک‌صدوده نقاشی با رنگ سیاه بر دیواره غار تصویر شده است. موضوع اصلی این نقاشی‌ها شکار و صحنه‌های رزمگاهی است و در آن انسان‌ها سوار بر اسب و پیاده، با ابزار آلات جنگی به حمله و شکار پرداخته‌اند. همچنین حیواناتی چون اسب، بز و گاو در این سنگ‌نگاره به تصویر کشیده شده‌اند. مطابق آنچه در سؤال تحقیق پیرامون ویژگی‌های بصری سنگ‌نگاره‌های غار دوشه طرح شده بود، نقاشی‌های این غار از منظر نحوه بازنمایی، حجم‌پردازی، رنگ، عمق‌نمایی، تناسب و روایت‌پردازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج حاصله نشان می‌دهد این نقاشی‌ها از منظر بازنمایی به روش چکیده‌نگاری، با رنگ سیاه بر دیواره‌های مسطح غار، به‌صورت تخت و دوبُعدی تصویر شده و فاقد حجم‌پردازی هستند. در اکثر این نقوش از تناسب واقعی تبعیت نشده و تنها در مواردی هم‌چون نقش اسب، گاو و کمان با رعایت تناسب روبه‌رو هستیم. عمق‌نمایی و بُعدنمایی نیز در مورد کلیه نقوش انسانی قابل مشاهده بوده و در میان نقوش حیوانی فقط در مورد نقش بز اتفاق افتاده است. یکی از ویژگی‌های اصلی سنگ‌نگاره‌های غار دوشه، جنبه روایتگری نقوش است که در هر سه دسته نقوش مورد مطالعه قابل مشاهده است. در برخی صحنه‌های نقوش غار دوشه به‌خصوص صحنه رزمگاه، بیننده شاهد تصاویری است که در آن داستانی از جنگ، نحوه جنگیدن و دفاع افراد مورد هجوم قرار گرفته، دیده می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که طی اظهار نظرهای صورت گرفته، بخش اعظم این نقوش امروزه تخریب شده و اثری به‌جز تصاویر از آن‌ها باقی نیست. همچنین درباره تاریخ حدودی این سنگ‌نگاره‌ها (نه صرفاً تاریخ سکونت در غار) طی بررسی‌ها می‌توان اظهار کرد، نقوش غار دوشه در حدود ۲۰,۰۰۰ سال پیش از میلاد شکل گرفته‌اند. این تصاویر به‌نوبه خود شگفت‌انگیز بوده و هنوز جای تحقیق و پژوهش گسترده و عمیقی دارند. با توجه به این که الحمدلله در کشور ایران به دلیل قدمت و غنی بودن فرهنگ، این گونه آثار به‌وفور یافت می‌شود، امید است اولاً در نگهداری آن‌ها و سپس در انجام پژوهش‌های دقیق و عمیق مرتبط با این گونه آثار فرهنگی باستانی، تلاش شده و شاهد یافته‌ها و اطلاعات

جدیدی در مورد این آثار باشیم.

### پی‌نوشت‌ها

1. Mac Borni.
2. Marsel Uot.
3. Visual Elements.
4. The Principles of Organization.
5. Rice University.
6. University of Cambridge.
7. Herodotus.
8. Strabo.
۹. مطابق نظر بهرام فره‌وشی این خط آرامی است.
10. Stylization.
11. Silhouette.

### فهرست منابع فارسی

- آژند، یعقوب (۱۳۹۰). *تاریخ هنر باستان*. تهران: سمت.
- اسکندری، ایرج (۱۳۷۷). بررسی و تحلیل نقاشی دیواری از ماقبل تاریخ تا عصر حاضر (قسمت اول)، *هنرهای تجسمی*، (۴)، صص ۶۱-۹۵.
- ایزدین‌پناه، حمید (۱۳۴۸). نقاشی‌های پس از تاریخ در غارهای لرستان، *مجله باستان‌شناسی و هنر*، شماره ۳.
- ایزدین‌پناه، حمید (۱۳۵۰). *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، جلد اول، خرم‌آباد: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۰). *نقاشی ایرانی*، چاپ دوازدهم، تهران: سمت.
- چایلد، گوردون (۱۳۸۶). *آریایی‌ها*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: نگار.
- حلیمی، محمد حسین (۱۳۹۱). *اصول و مبانی هنرهای تجسمی*، چاپ دهم، تهران: احیاء کتاب.
- رضایی، مهدی؛ شریعت، سحرابی (تا)، *بررسی علت احیاء هنر صخره‌ای لرستان در دوران متأخر اسلامی با نگاهی به نقوش صخره‌ای لرستان*، انسان‌شناسی و فرهنگ، بازیابی ۲۸ بهمن ۱۳۹۹ از:

<http://anthropology.ir/article/9907.html>

غار دوشه (بی تا)، [Wikipedia.org](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=غار_دوشه&action=edit&section=2)، بازیابی ۲۸ بهمن ۱۳۹۹ از:

<https://www.hamshahronline.ir/news/236384/>

غار دوشه (۴ آبان ۱۳۹۲)، *همشهری آنلاین*، بازیابی ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ از:

[https://pug.ir/RSS\\_189488\\_5 هزارساله\\_نقاشی.aspx](https://pug.ir/RSS_189488_5 هزارساله_نقاشی.aspx)

گیشمن، رومن (۱۳۳۶). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران:

علمی و فرهنگی.

گیشمن، رومن (۱۳۸۵). *فرهنگ‌های هنری ایران*، ترجمه یعقوب آژند،

تهران: مولی.

ونگ، ویسوس (۱۳۹۲). *اصول فرم و طرح*، ترجمه آزاده بیداربخت و نسترن

لواسانی، چاپ دهم، تهران: نشر نی.

یعقوب‌پور، آرمان (۱۳۸۱). بررسی نقوش غارهای لرستان (دوشه، همیان،

میرملاس)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه

تربیت مدرس.

### فهرست منابع لاتین

Ocvirk, O. G; et al. (2013), "Art Fundamentals: Teory and Practice". 12<sup>th</sup> ed. New York: The McGraw-Hill Companies.

Zeder, M. A. (2008), "Domestication and early agriculture in the Mediterranean Basin: origins, diffusion, and impact". *PANS*, vol. 105, no. 33: 11597-11604.



## Study on the Formal Features of the Lithographs of Luristan Dusheh Cave

Monireh Ahari Mostafavi<sup>1</sup>, Mahyar Asadi<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Master Student of Painting, Department of Painting, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Sculpture and Painting, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran.

(Received: 13 Mar 2021, Accepted: 28 Jun 2021)

According to the excavations, Luristan region has been inhabited for a long time. The evolution of time and various natural events have enabled the evolution of civilization in that region and its inhabitants have made progress due to this evolution and gradually created a more complete life by inventing and creating new tools and instruments. Early Iranian plateau in the Zagros region, we can name the lithographs of stone shelters in Luristan region such as Humian, Mir Molasses and Dusheh Cave. Among them, Dusheh Cave with lithographs that are about two thousand years old, has been studied in this article. Dusheh Cave is a historical and natural monument located in the village of "Karshorab" in the "Chegni" section of Luristan. Regarding Dusheh Cave, unfortunately, despite the large number of images available, little research has been done and as a result, resources for the present study are very limited. This cave was first discovered by "Hamid Izadpanah". He took photographs of the lithographs of this cave and in the first volume of his book entitled "Ancient and historical monuments of Luristan" which was published in July 1353, he described the lithographs of this cave. On the flat walls of this cave are painted about one hundred and ten black carvings. Most of the cave motifs depict people fighting and hunting and animals on the battlefield. In them, humans are depicted on horseback or on foot, mostly shooting and fighting. Animals such as horses, goats and wolf-like animals are engraved on the walls of this cave. Also, this cave has two inscriptions, which today is half of an inscription that remains. Considering the main purpose of this article, which was to explain the formal features of the lithographs of Dusheh Cave, the question is as follows: What are the visual characteristics of the lithographs of Dusheh Cave? The present study is qualitative in nature and will analyze the data with a descriptive-analytical method and

collecting information from library sources. The results of this research show that the designs of Dusheh cave have been drawn on the walls of the cave in an abstract and narrative manner. In some of these motifs, we see depth and distortion of proportions. Also, the color in all the works is black and no volume has been done in the pictures. One of the main features of the lithographs of Dusheh Cave is the narrative aspect of the designs. In some scenes of Dusheh cave motifs, especially the battlefield scene, the viewer sees images in which a story of war, how to fight and defend the attacked people can be seen. Another motif is the role of the mountain goat, which has been widely used in different periods, and in these petroglyphs, they have been drawn in profile and in a picture with a profile body and an all-red head. The important point is that during the comments made, most of these motifs have been destroyed today and no trace of them remains except some images.

### Keywords

Lithograph, Dusheh Cave, Painting, Cave Painting, Neolithic Painting.

\* Corresponding author: Tel: (+98-912) 8301895, Fax: (+98-21) 88035801; E-mail: mostafavimars8@gmail.com